

شادروان بانو ملکه ملکزاده بیانی

شادروان بانو ملکه ملکزاده بیانی در سال ۱۲۹۸ خورشیدی در تهران دیده به جهان گشود. پدرش مهدی ملکزاده از بنیان‌گذاران دانش نوین پزشکی در ایران بود. از جانب پدر نسبش به ملک‌المتکلمین و از جانب مادر به میرزاسلیمان خان می‌رسید که هردو مشروطه‌خواه و از رجال خوش‌نام دوره قاجار بودند. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدارس ناموس و ژاندارک گذراند و موفق به اخذ دیپلم زبان فرانسه شد.

بانو ملکزاده بیانی، که از استعداد نقاشی برخوردار بود، نزد استادان بزرگی همچون میرزا هادی خان تجویدی نگارگری ایرانی را فرا گرفت. پس از فراغت از تحصیل از مقطع متوسطه در سال ۱۳۱۳، برای ادامه تحصیل در زمینه نقاشی به فرانسه عزیمت کرد و موفق به اخذ دیپلم از دانشکده هنرهای زیبای پاریس شد. وی همزمان با آموزش نقاشی، در رشته باستان‌شناسی دانشکده لوور (وابسته به دانشگاه سوربن) تحصیل می‌کرد. خانم بیانی در سال ۱۳۱۷ موفق به اخذ دیپلم نقاشی و فوق‌لیسانس باستان‌شناسی شد و به ایران بازگشت. او که علاقه خاص وی در سکه‌شناسی و از سرآمدان این حوزه بود، پس از بازگشت به ایران به ریاست بخش سکه، مهر و الواح موزه ایران باستان منصوب شد. بانو ملکزاده بیانی از سال ۱۳۴۷ به تدریس درس سکه‌شناسی و مهر و تابلت در گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران پرداخت و تا هنگام بازنشستگی در سال ۱۳۵۷ به این کار ادامه داد. در واقع او را می‌توان بنیان‌گذار این مبحث مهم در مطالعات باستان‌شناسی ایران برشمرد. این بانوی فرهیخته در خواندن خطوط باستانی متبحر بود و به زبان‌های فرانسه و انگلیسی تسلط کافی داشت.

شادروان ملکزاده بیانی طی مصاحبه‌ای دلیل دلبستگی‌اش به تاریخ، هنر و فرهنگ ایران را چنین بر می‌شمرد: «من از کودکی در خانواده‌ای که به فرهنگ و هنر ایران بسیار پایبند و علاقه‌مند بودند تربیت شدم و از بچگی با هنر و حماسه‌های ملی ایران و فرهنگ فوق‌العاده غنی خودمان آشنایی پیدا کردم. اما درحقیقت انگیزه دلبستگی عمیق من به فرهنگ و هنر دیرپای این سرزمین و قبول خدمتگزاری سال‌های دراز در این راه مربوط به حادثه‌ای است که در چهارده سالگی زندگی‌ام رخ داد. خوب به خاطر دارم که در آن زمان به همراه پدرمادر و خواهر کوچکم به تخت جمشید رفتیم. دیدن آن آثار چنان شور و حالی در من به وجود آورد که بی‌اختیار شروع به گریستن کردم. مرحوم پروفیسور هرتسفلد که در آنجا بود از آن حال من دچار حیرت شد، ولی من ساعت‌ها با آن حال و احساس به تماشای گوشه به گوشه تخت جمشید مشغول بودم. در موقع مراجعت در سر راه خود یک قطعه شن مدور را برداشتم و از مسئولان حفاری اجازه خواستم که آن قطعه شن مدور را با خود به یادگار ببرم تا هر بار که آن را می‌بینم آن شور و نشاط که برای اولین بار از دیدن آن بارگاه بزرگ در من ایجاد شده به خاطرم آید، اما موافقت نکردند و گفتند ما نوع دیگری از آن را برایتان خواهیم فرستاد. به خاطر دارم که به‌وسیله مسیو بوبلد فرانسوی که پایه دستگاه باستان‌شناسی ایران به‌وسیله او ایجاد شد همان یک قطعه سنگ را، که با خط میخی نام کورش بزرگ روی آن نقش شده بود، برایم فرستادند که در شورآفرینی من بسیار پراثر بود.»

شادروان ملکه ملکزاده بیانی دو فرزند دختر دارد که حاصل ازدواج او با خانابا بیانی مورخ، مترجم و استاد دانشگاه تهران بود که بینان‌گذاری دانشگاه تبریز را در کارنامهٔ افتخارات خود دارد و از اکابر تاریخ و فرهنگ ایران بود. فرزندان وی سرکار خانم دکتر شیرین بیانی استاد تاریخ و سرکار خانم دکتر سوسن بیانی استاد گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران هستند که هر دو به افتخار بازنشستگی نائل شده‌اند.

بانو ملکزاده بیانی در طول حیات پربارش مقالات و کتب ارزشمندی همچون *تاریخ سکه از قدیم‌ترین ازمینه تا دوره اشکانیان*، *سکه‌های ایران در دوران هخامنشی*، *تاریخ مهر در ایران و سیمای بزرگان ایران* به چاپ رسانید و منشأ خدمات و افتخاراتی بود که اهم آنها را می‌توان چنین برشمرد: تأسیس موزهٔ سکه بانک سپه، برپایی و ریاست نمایشگاه هفت هزار سال هنر ایران در میلان ایتالیا، عضویت در انجمن بین‌المللی سکه، عضویت در یونسکو در نخستین دورهٔ تأسیس این مؤسسهٔ علمی - فرهنگی در ایران.

جان شیفته به فرهنگ و تاریخ ایران این بانوی والاتبار در تاریخ دوازدهم خرداد ماه سال ۱۳۷۸ از کالبد خاکی‌اش پرکشید و در جوار حق آرام گرفت.

منابع

دانشنامهٔ دانش‌گستر، ج ۱۵، ۱۳۸۹، ذیل واژهٔ ورجاوند، زیر نظر: علی رامین و کامران فانی و محمدعلی سادات، تهران: مؤسسهٔ علمی - فرهنگی دانش‌گستر.

نشریهٔ موزهٔ سکهٔ بانک سپه ، ۱۳۵۲، دورهٔ ۱۲، شمارهٔ ۱۳۶ و ۱۳۷، گفت‌ووشنودی با خانم دکتر بیانی بانوی سکه‌شناس ایرانی.